تصمیمات دیوانه‌وار حاکمان حجاز به کجا خواهد انجامید؟

خطاهای سیاسی آل‌سعود

■ رضا رحمتی* ■

سیاست‌هـای داخلی و منطقـه‌ای آل‌سعود اگرچه همواره مـورد انتقاد دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است، اما بعد از مرگ «ملک عبدالله» و به دست گرفتن ارکان پادشاهی این کشور توسط «ملک سلمان»، سرعـت و شتاب خطاهای سیاسی آنها نیز بیشتر شده است. به نظر می‌رسد مهم‌تریـن عوامل بروز خطاهای پی در پی سیاسـی، رقابت‌های درونی خاندان سعودی بر سر قدرت و بی‌تجربگـی و بلندپروازی‌های جاهلانه دولتمردان جدیـد آن است. این خطاها را حداقل در ۲ سطح داخلی و منطقه‌ای می‌توان مورد بررسی قرار داد.

■ سطح داخلی

رهبـران جدید سعودی تمایل زیـادی دارند خود را به‌عنوان رهبر جهان اسلام به سایر کشورها معرفی کننـد و برای نیل به این مهم، از هیچ اقدامی فروگذار نیستند. همین موضوع سبب شده است با چالش‌های داخلی و منطقه‌ای زیادی روبه‌رو شوند که این چالش‌ها به‌دلیل احساس تهدید امنیتـی و هویتی در ماه‌های اخیـر به اوج خود رسیده اسـت. سعودی‌ها هیچ‌گونه اعتراضـی را تحمل نمی‌کنند و هرگونـه اعتراضی را تهدیدامنیتی برمی‌شمرند. برای مثال روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمـز» در گزارشی ضمن اظهارنظر درباره وضعیت داخلی عربستان به‌عنوان «وضعیت سرکوب علیه مخالفان»، بیان می‌دارد: «اعدام روحانی محبوب شیعه، شیخ «نمر باقرالنمر» و ۴۶ زندانی دیگر، بدترین روشی بود که عربستان سعودی می‌توانست با آن سالی تیره‌وتار و پرهیاهو را برای این کشور و سراسر خاورمیانه رقم بزند. تصـور این امر سخت است که حاکمان این پادشاهـی از تبعاتـی که این اقـدام می‌توانست برای منطقه به دنبال داشته باشـد، ناآگاه بودند. آنها حتی ممکن است قصد داشته باشند از واکنش‌های شدید در ایران و دیگر کشورها به‌عنوان دستاویزی برای انحراف اذهان از مشکلات اقتصادی داخلی و سرکوب مخالفان بهره‌برداری کنند. اتحاد دیرینه آمریکا با آل‌سعود هیچ دلیلی برای دولت اوبامـا محسوب نمی‌شود تا بی‌پروا در ایـن زمینه وارد عمل نشود و تنهـا هر ۲ طرف را به خویشتنداری فرابخواند». درباره «وضعیت سرکوب» سعودی‌ها، پایگـاه اینترنتی آمریکایـی «پولیتیکو»، نوشت: «عربستان سعودی یک کشور سرکوبگر است و از حامیـان اصلی داعش، القاعده و طالبان به حساب می‌آید. عربستان در تلاش برای ترویج وهابیت بوده و از آنها حمایت می‌کند.» این پایگاه تحلیلی همچنین بیـان مـی‌دارد بیـن ۱۵۰۰ تـا ۲۵۰۰ تروریست از عربستان در عراق و سوریه در حال نبرد با حکومت‌های این کشورها هستنـد و پیوند ایدئولوژیک وثیقی بین عربستـان وهابی و تکفیری‌های داعـش وجود دارد و روش عربستـان برای اعدام شیخ نمـر و سایر افراد را چیزی شبیه داعش قلمداد می‌کند. بی‌تردید اعدام شیخ نمر یکی از خطاهای سیاسی داخلی آل‌سعود است تا جایی‌که حتی متحدان ایـن کشور نیز اقدام سعودی را غیرعقلانـی دانستند. «هیلاری کلینتـون» نامزد انتخابات آتی ریاست‌جمهوری آمریکـا اظهار داشت: «فکر نمی‌کنم آنها تصمیم هوشمندانه‌ای اتخاذ کردند. اعدام روحانی شیعه این کشور که موجب ناآرامی‌های وسیع در خاورمیانه شده است، منطقه را بیشتر شعله‌ور می‌کنـد.» اندیشکده «دفـاع از دموکراسی‌ها» نیز در گزارشی به قلم «دیوید آندرو وینبرگ» پیرامون «ابعاد اعدام شیخ نمر و تأثیـر آن بر اوضاع منطقه» نوشت: «اعـدام شیخ نمـر سرکوب استبدادی بـوده است تا مبـارزه علیه اعمـال خرابکارانه.» همچنیـن روزنامه آلمانـی «بیلـد» در تیتـر اول خـود در روز ۴ ژانویه/ ۱۴ دی، عنـوان داشت: «عربستـان سعودی چیزی جـز نفـت، خرمـا و تروریسم بـرای جهان نـدارد». «واشنگتن‌پست» نیـز در مطلبی تحت عنوان «رژیم بی‌پروای عربستان سعودی» معتقد است شاه سلمان، سـال اول پادشاهی خـود را به حرکـات جسورانه و بی‌پروایـی اختصـاص داده اسـت تا قـدرت خانواده سلطنتی را هم در درون و هم در خارج از کشور تقویت کند. اعدام یکی از روحانیون شیعه، نشانه‌ای برای بیان سرکوب علیه اقلیت شیعیان عربستان بود. او یک گام بسیار خطرناک برداشت».

■ سطح منطقه‌ای

دولت سعـودی کـه رونـد بیـداری اسلامی در کشورهـای اسلامی و منطقه را به ضـرر منافع خود می‌دید، در سال‌های اخیر کوشیده است با دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم، به‌زعـم خود اوضاع را کنترل کند. اما نتیجه آن چیزی جز افزایش خشونت و پرورش جریان‌های تکفیری و تروریستی در منطقه نبوده است. اشتباهات سعـودی در سوریه به‌گونه‌ای بود که وقتی ایـران در حال ایفای نقش در سوریه برای حل بحران ایـن کشور بود و عربستان از این امر ممانعت می‌کرد، حتی «فیلیپ هامونـد»، وزیر خارجه انگلیس موضع وزیر خارجه عربستان در قبال نقش ایران در عربستان را اشتباه توصیف کرد. همچنین روزنامه «بلومبرگ» در مقاله‌ای به بررسی اوضاع غرب آسیا پرداخت و با کنار گذاشتـن سهم غرب در به‌وجود آوردن بحران سوریه، به نقل از برخی تحلیلگـران نوشت: «بحران سوریه را عربستـان به‌طور عمدی بـه راه انداخت و هدف از آن ریشه‌کـن کردن تلاش‌هـای اوباما بـرای حل‌وفصل درگیری‌هـا در منطقه بویـژه در سوریه است.» سوریه البتـه تنها اشتباه سیاسی عربستـان در منطقه نبود. بی‌تجربگی رهبران جدید آل‌سعود سبب شد همسایه جنوبی عربستان از ۱۰ ماه پیش، مورد حمله قرار گیرد. حمله وحشیانه به یمن یکی از نمونه‌های عینی اخیر اقدامـات ضدانسانی عربستان اسـت به‌طوری‌که ۲۷ آبان یونیسف اشاره کرد کـه در حملات عربستان به یمن، ۶۰۴ کودک یمنی کشتـه و ۹۸۰ تن دیگر نیز زخمـی شدند و ۵۰ درصد کودکان با تخریب مدارس و مراکز آموزشـی در این کشور، از حق ادامه تحصیل محروم شده‌اند. جنگ در یمن به قدری فاجعه‌بار بوده است که «باربارا بودین»، استاد دانشگاه «جورج تاون» و سفیر سابق آمریکا در یمن، در نشستی برای بررسی تحولات یمن در مؤسسه تحقیقاتی «وودرو ویلسون» در واشنگتن گفت: «حمایت آمریکا از عربستان سعودی در جنگ یمن، همسو با منافع آمریکا نیست.» وی در تشریـح علل این اشتباه گفت: «علـت اول اینکه این جنـگ به‌خوبی پیش نرفته است و هزینه‌های انسانی این جنگ بسیار تکان‌دهنده و زیاد است.» او ادامه داد: «محاصره بندرهای یمن و جلوگیری از ورود محموله کمک‌های بشردوستانه به این کشور، جنایت جنگی به شمـار می‌رود و تاسف‌آور است وقتی تلاش‌هایی برای تحقیقات درباره واقعیت‌های جـاری در یمن صورت می‌پذیرد، ایالات متحـده مانع این تلاش‌ها می‌شود... آمریکـا در ایـن جنگ کامـلا شریک جـرم است و بی‌تردید، این وضع در آینده برای ما نتایج خوشایندی نخواهد داشت.» روزنامه آمریکایی «نیویورک‌تایمز» نیز با اشاره به اینکه دخالت نظامی عربستان در یمن، همه روزنه‌های امید برای برقراری ثبـات در آن کشور را از بین بـرد، نوشت: «حملات آل‌سعود نتایج فاجعه‌باری را به‌دنبـال داشته است، به‌طوری که در حمله به یکی از اردوگاه‌های آوارگان در یمن، ۴۰ نفر کشته شدند.»

عـلاوه بر یمن، بحرین نیز که بعـد از موج بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱ به‌سمت مطالبات اسلامی حرکت می‌کرد، با یورش و لشکرکشی عربستان برای سرکوب خواسته‌های خویش مواجه شده است. علاوه بر کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از مردم عادی در این کشور با حمایت‌های سعـودی، بسیـاری از خانه‌ها و حدود ۴۰ درصد مساجد این کشور نیز تخریب شده است.

■ تشت رسوایی مدعیان حقوق بشر

همـه اینها اما در حالی است که مدعیان طرفداری از حقـوق بشر، نه‌تنها چشمان خود را در برابر جنایات گسترده این رژیم بسته‌اند بلکه حتی از آن حمایت هم می‌کنند در حالی‌که عربستان سعودی به‌تنهایی برای ننگین بودن کارنامه محافل حقوق بشری دنیا و مدعیان این حقوق کافی است. سپتامبر سال ۲۰۱۵ میلادی در هنگامه سفر باراک اوباما به عربستان و ملاقات با ملک سلمان، «کریستوف دلوار»، دبیرکل سازمان گزارشگران بدون مرز «جایگاه عربستان را در میان ۱۸۰ کشور، در راستای رتبه‌بندی جهانی آزادی بیان، صدوشصت‌وچهارم اعلام کرد.» با این همـه، رؤسای جمهوری کشورهای غربی با هیأت‌های بلندپایه وارد عربستان می‌شوند و با این کشور قراردادهای تسلیحاتی و نفتی امضا می‌کنند. درست یک سال پیش، اوباما با تیم همراه برای سفری ۳ روزه عـازم عربستان شـد. سفری که بدون توجه به نقـض گسترده حقوق بشر، نقض آزادی بیان، نداشتن انتخابات، نقض حقوق زنان، نداشتن پارلمان، موروثی بودن حکومت، نداشتن حزب و رسانه مستقل، مواجهه نظامی علیه انقلاب‌های مردمی و حمایت از تروریسم و صرفاً با ملاحظه قراردادهای تسلیحاتی آمریکا انجام شد. این موضـوع نشان‌دهنده این است که معیارهای حقـوق بشری مجامع بین‌المللـی، متناقض، دوگانه و مبتنـی بر منافع مادی حاصـل از ارتباط با بنگاه‌های تسلیحاتی و اقتصادی است. هفته‌نامه فرانسوی «ژورنال دو دیمانـش» نیز با انتقـاد از سفر «فرانسـوا اولاند» رئیس‌جمهور این کشور به عربستان می‌نویسد: «اولاند طی ۳ سال ریاست‌جمهوری‌اش، ۴بار به عربستان سفر کـرد.» داگلاس هربرت، کارشناس مسائل سیاسی، در گفت‌وگو با شبکه «فرانـس۲۴» بیان می‌کند: «اولاند به‌عنـوان رئیس‌جمهـور کشوری که خـود را سرآمد حقـوق بشر می‌داند، به‌یکباره به کشـوری می‌رود که فعـالان حقوق بشر، آن را یکـی از بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر می‌دانند.» بی‌شرمانه‌تر اما اینکه پایگاه خبری «اخبارالساعه» امارات بیان می‌دارد رئیس‌جمهور فرانسه به ریاض اطمینان داده است در تجاوز علیه مردم یمن می‌تواند روی کمک‌های همه‌جانبه پاریس حساب کند.

■ فرجام سخن

هر چه زمان بیشتری سپری می‌شود بیشتر دست دولتمردان سعودی در منطقه در حمایت از تروریسم رو می‌شود. زمانی رهبران این کشور از اظهار حمایت علنی از ناآرامـی در منطقه خـودداری می‌کردند و در ظاهر سعـی می‌کردند خود را موجه نشان دهند، اما با مرگ پادشـاه پیشین و روی کارآمدن دولتمردان بی‌تجربه و جوان، پرده از صورت واقعی رهبران این کشور افتاده و به‌صراحت دست به اعدام‌های دسته‌جمعی و نسل‌کشی زده‌اند. حمایت از تروریست‌ها در سوریه، لبنان و عراق به‌صـورت حمایت‌های نیابتی از آشـوب در منطقه و مداخلـه مستقیم در یمـن نمودهای بـارز رفتارهای نابهنجار عربستان در منطقه است. اعدام شیخ نمر نیز عینی‌ترین سطح فعالیت تروریسم دولتی عربستان در منطقه است که یقینا- آنچنان که رهبر حکیم انقلاب بـه آن اشاره کردند- تاوان خـون این شهید مظلوم را خواهند داد.

***دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل**

منبع: khamenei.ir

دستگاه دیپلماسی باید مواضع قاطعانه‌تری اتخاذ کند

محسن رحمانی‌واسوکلایی*: جمهوری اسلامی ایران با ۱/۶۴۸/۱۹۵ کیلومترمربع وسعت دارای جمعیتی حدود ۷۷/۱۸۹/۶۶۹ نفر است و قرار گرفتن در موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی در منطقه خلیج‌فارس بویژه تسلط بر تنگه هرمز اهمیـت آن را صدچندان کرده است. ایران در حاشیـه خلیج‌فارس با کشورهای عربی‌ای همسایه است که عمدتا سیاست‌های ضدایرانی را به رهبری عربستان‌سعودی در عرصه سیاست خارجی خـود به کار بسته‌اند. وسعت این کشورهـا غیر از عربستان، ۴۱۳۵۷۶ کیلومترمربع است یعنی ۵کشور عربی حاشیه خلیج‌فارس ۲۵ درصد وسعت ایران را دارا هستند و طبیعتا جمعیت آنان نیز از ایران حتی با افزودن جمعیت عربستان پایین‌تر است اما این کشورها گاهی سیاست‌هایی یا مواضعی را اعلام می‌دارند که بسیار فراتر از شخصیت و جایگاه آنان در نظام بین‌الملل است. یکی از عوامل یا مقدورات کشورها در اجرای سیاست‌های دفاعی و خارجی، عوامل جغرافیایی یا ژئوپلیتیک اسـت که با نگاهی به مواضع این کشورهـا در قبال ایران به یک طنز سیاسی شباهت دارد تا یک موضع سیاسی! این کشورها که در مجمعی بـه نام اتحادیه عرب هـر از گاهی گردهم می‌آیند تا ایران‌هراسی را به دلیل افزایش قدرت ایران در منطقه گسترش دهند، با صدور بیانیه‌هایی، جمهـوری اسلامی ایـران را به دخالت در امـور کشورها و حمایت از تروریست‌ها متهم می‌کنند. این موضوع کمی ما را به تعجب می‌اندازد کـه این کشورها براساس چه پشتوانه و مقدوراتی یا چه سیاست‌های موفقـی در منطقه اینگونه زبان به گستاخـی می‌گشایند و ایران را به اتهامات واهی متهم می‌کنند. این کشورها بویژه عربستان سعودی که سابقه تقابل آن با ایران به سالیان دور می‌رسد، فقط توانسته‌اند سیاست آشوب، تنش، گسترش افراط‌گرایی، تروریست‌پروری و حمایت از ترور را در منطقه پیاده کنند به طوری که این سیاست‌ها حتی گریبان متحدان خودشـان را هم گرفته و امروز شاهد تغییراتی در مواضع آنها در قبال عربستـان هستیم. آخرین دستاورد منفی عربستان که چهره خود را در نظام بین‌الملل بیشتر مخدوش کرد، اعدام رهبر شیعیان عربستان آیت‌الله نمر بـود که قریب به اتفاق کشورها و سازمان‌های بین‌المللی حتـی به طور ظاهری آن را محکـوم کرده و مردم کشورهای مختلف جهان نیـز غیورتر از رؤسای کشورهای‌شان بـا برپایی تظاهراتی این اقدام را محکوم کردند. ایران نیز پیش‌تر از همه این اعدام را محکوم و مراتب اعتراض خود را اعلام کرد اما متاسفانه رویه‌ای که در دیپلماسی مـا عادی شده اعلام واکنش سطحی به ایـن دست اقدامات است؛ در حالی که دیپلماسی مهم‌ترین شاخصه سیاست خارجی کشورهاست و می‌تواند قدرت و اقتدار یک کشور را به منصه ظهور برساند. از این رو از مسؤولان دیپلماسی کشور انتظار می‌رود در قبال این دست کشورها که در جایگاه تقابل با ایران نیستند واکنش و رویکرد فعال‌تر و جدی‌تری نشان دهد تا شاهد گستاخی‌هـا و بیانیه‌هایی گاه و بی‌گاه این جزایر کوچک در همسایگی خود نباشیم. این رویکرد به معنای حمله و تهاجم به عربستان سعودی یا کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس نیست بلکه به معنای اتخاذ یک رویکرد فعال و قاطعانه برای مهار اقدامات خصمانه این کشورها علیه جمهوری اسلامی ایران است. یکی از شاخص‌های این رویکرد، پیگیری‌های حقوقی در مجامع بین‌المللی علیه برخی اقدامات سعودی‌هاست. به‌عنوان مثال، عربستان -البته با همکاری آمریکا و برخی کشورها- اتهام مضحکی را مهرماه ۸۹ علیه ایران مطرح کرد و مدعی شد سپاه قدس ایران قصد ترور «عادل الجبیر» سفیر وقت عربستان در واشنگتن [و وزیر خارجه کنونی آل‌سعود] را داشته است. این کشورها با این اتهام مضحک، ضمن جوسازی رسانه‌ای علیه ایران، قطعنامه‌ای را با ۱۰۶ رأی مثبت در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رساندند که در آن ایران به طور غیرمستقیم محکوم شده بود. ۳ سال پس از آن قضیه، آبان سال۹۲ انفجار مهیبی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایـران در بیروت شکل گرفت که منجر بـه کشته شدن ۲۳ و زخمی شـدن ۱۴۶ نفر شد؛ انفجاری که مسؤولیـت آن را گروهی موسوم به گـردان «عبدالله عزام» برعهده گرفت. رهبری این گردان برعهده یک تبعه سعودی بـه نام «ماجد الماجد» بود که پـس از دستگیری وی توسط سرویس‌های امنیتی لبنان به‌رغم درخواست ایران برای بازجویی از وی کـه مخالفت عربستـان را در پی داشت جسد وی پس از مرگ مشکـوک او به عربستان منتقل و حتی شنیده شد از سوی حکومت سعودی به خانواده ماجد الماجد نشان عالی اهدا شده است. لازم بود دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی در این زمینه با استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود دست به اقدام حقوقی علیه عربستان بزند. شاخص دیگر در این رویکرد اتخاذ مواضع قاطعانه و جدی‌تر از سوی مسؤولان دیپلماسی کشور در برابر یاوه‌گویی‌ها و گزافه‌گویی‌های مقامات سعودی و ملیجک‌های عربی است. در این زمینه البته مواضعی اتخاذ شده است ولی نیازمند قاطعانه‌تر شدن آنها هستیم. به‌عنوان مثال در برابر برخی مواضع سعودی‌ها مانند مخالفت‌هـای علنی آنها با توافق هسته‌ای یا مخالفت آنها با دعوت «بان‌کی‌مون» از ایران برای شرکت در کنفرانس صلح سوریه موسوم به ژنو۲، موضع قاطعی اتخاذ نشد. لازم به توضیح است در راستای دعوت بان‌کی‌مـون از ایران برای حضور در مذاکرات ژنو۲، عربستان در یک موضع‌گیری رسمی اعلام کرد ایران صلاحیت حضور در ژنو ۲ را ندارد و «سعودالفیصل»، وزیر مقبور خارجه عربستان تاکید کرد: «من از موضع ائتلاف معارضان مبنی بر رد مشارکت ایران در کنفرانس ژنو۲ حمایت می‌کنم».

شاخص دیگر این رویکرد اصـرار و پافشاری جمهوری اسلامی بر مواضـع فعلی خـود در محور مقاومت و حمایـت از سوریه و عراق در برابر گروه‌های خشونت‌طلب و تکفیری است. امیدواریم در آینده نزدیک دیپلماسی قاطعانه‌تری را از مقامات کشورمان در برابر اینگونه مواضع شاهد باشیم.

***کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای ایران**

وجدان کاری چگونه شکل می‌گیرد؟

صادق سلیمی/اصغر شهبازی*: کار و به معنای اخص آن شغل، مظهر زنـده بودن انسان و زندگی انسانی است. برای داشتن زندگی انفرادی و اجتماعی بهتر، باید کار کرد. کار، تنها وسیله‌ای است که جایگاه انسان را در پهنه هستی انسانی‌تر کرده و سنگر وی را برای تسخیر طبیعت و پیروزی بـر ناملایمات آن هر روز نسبت بـه گذشته مستحکم‌تر می‌کند. ولی چگونه می‌توان به کار دلبستگی پیدا کرد؟ چگونه می‌توان کم‌کاری، عدم احساس مسؤولیت، عدم حضور در محل کار، عدم پاسخگویی و راهنمایی صحیح مراجعان، عدم حفاظت و مراقبت صحیح از اموال، عدم توجه به کیفیت کـار و گرایش به آسان‌طلبی را به رضایت شغلی و انجام کار با کیفیـت بالا و مطلوب و حضور بموقع و موثر در محل کار تبدیل کرد؟ آیا تاکنون با افرادی که در شغل خود مانند یک بازی و سرگرمی فعالیت می‌کنند، برخورد کرده‌اید؟ افرادی که از انجام دادن کار خود لذت طبیعی می‌برنـد. آنان نیروهای جسمی و روانی خـود را صرف همان کارهایی می‌کنند که همکارانشان آن کارها را استرس‌زا، فشارآور، خسته‌کننده، ناراحت یا نامطلوب می‌پندارند. چگونه چنین چیزی ممکن است؟ آنان که هیچگاه از کار خود به واقع لذت نبرده‌اند، باید به جست‌وجوی راهی برای پی بردن به این مطلب باشند که چگونه افراد دیگری آن کارها را با خشنودی و رضایت خاطر انجام می‌دهند. به راستی برای دستیابی به رضایت شغلی و انجام دادن کار با کیفیت بالا، انگیزش درونی برای انجام کـار و کم شدن غیبت و ترک کار چه بایـد کرد؟ نیروی انسانی ما به تقویت وجدان کاری و تغییر در فرهنگ کار نیازمند است چرا که نیروی انسانی کارآ و متعهد است که سازمان را در دستیابی به اهداف خود یاری می‌دهـد. وجدان عبـارت است از استعدادی که به تشخیص نیک و بد پرداخته و برای امور ارزش قائل است، نیک و بد را از هم فرق گذاشته و برای ما نوعی الزام عملی ایجاد می‌کند (قورچیان، ۱۳۷۴). وجدان کاری عبارت است از مجموعه عواملی که در فرد سازمانی نظام ارزشی به وجود می‌آورد(سلطانی،۱۳۷۵). در تعریف وجدان در فرهنگ عمید چنین آمده است: «وجدان قوه باطنی‌ای است که خوب و بد اعمال به وسیله آن درک می‌شود» (عمید، ۱۳۶۹). وجدان در زبان انگلیسی بدین معانی به کار رفتـه است: باطن: دل و شعور و احساس روحانی که موجب تشخیص خـوب از بد می‌شود. بخشی از من برتـر در تحلیل روانی که به «من» دستور داده یا آن را سرزنش می‌کند (وبستر،۱۹۸۸). کار دارای مفاهیم گوناگون از قبیل معانی فلسفی، اخلاقـی و اقتصادی است. با توجه به مفاهیم مختلـف، آن را می‌توان چنین تعریف کرد: کار عبارت است از مجموعه عملیاتی که انسان به کمک مغز و دست‌ها و ابزار و ماشین‌آلات به منظور استفاده عملی بر روی ماده انجام می‌دهد و این اعمال نیز به نوبه خود بر انسان اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهد (سلطانی، ۱۳۷۵). وجدان پدیده‌ای است که بایستگی‌ها را از نا بایستگی‌ها و شایستگی را از ناشایستگی‌ها در رفتار آدمی تفکیک می‌کند (جعفری، ۱۳۷۵). «گراند لاروس» عقیده دارد: وجدان، احساس درونی‌ای است که هر کس را برای داوری دربـاره ارزش کارهای خود رهبری می‌کنـد (جعفری، ۱۳۷۵). «کانت» به مساله وجدان به فطرت معتقد بوده و وجدان را امری فطری می‌داند (مطهری، ۱۳۶۷). به عقیده «فروید»، وجدان اخلاقی از طریق قوانین و منهیات در فرد شکل می‌گیرد (سبحانی، ۱۳۴۹). در قرآن کریم از وجدان به عنوان «نفس لوامه» تعبیر شده است؛ نفسی که دائماً انسان را سرزنش می‌کند. با انجام کار ناشایست او را مورد نکوهش قرار می‌دهد که چرا به چنین کاری دست زدی و در صورت انجام کار خوب، ملامت می‌کند که چرا بیشتر انجام ندادی؟ (مجلسی، ۱۳۹۸ ق) وجدان کاری، یکی از ابعاد مهم وجدان است که منظور از آن احساس مسؤولیت و تعهد همه‌جانبه درونی فرد نسبت بـه وظایف و کارهایی است که برعهده او است. به عبارت دیگر، سعی در انجام هرچه کامل‌تر و بهتر کارها و پرهیز از هرگونه تساهل و کم‌کـاری و استفاده منطقی از امکانات و شرایط و مواظبت مداوم نسبت به انجام وظایف (ممی‌زاده، ۱۳۷۵). در صورت دارا بودن بالاترین حد وجدان کاری، می‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که در آن افراد در مشاغل گوناگون سعی دارند کارهای محوله را به بهترین وجه و به طور دقیق و کامل و با رعایت اصول بهینه‌سازی انجام دهند(میرسپاسی، ۱۳۷۳). عوامـل متعددی پیش از این وجـدان کاری شخص را تحت تاثیر خویش قـرار داده‌اند. در این زمینه هرگز نمی‌توان نقش ارزش‌ها، فرهنگ، شخصیت و نگرش نسبت به کار را نادیده گرفت. سخن پایانی اینکه چه عواملی در سازمان بر وجدان کاری موثرند و شرایط مساعد یا نامساعـد را برای آن فراهم می‌کنند؟ عدم توجه به ویژگی‌های انسانی فرد در سازمان‌ها، یکـی از مهم‌ترین این عوامل است. انسان اجتماعی نیـاز به تعلق و پذیرش در گروه‌های گوناگـون دارد. لذا شروع به تلاش در راه برقراری روابط با دیگران می‌کند. میل به معاشرت به صرف لذت بردن از آن نیست؛ بلکه از این طریق افراد می‌توانند باورها و عقایدشان را تحکیم ببخشید.

***کارشناسان امور اجتماعی**

منابع:

- فلسفه اخلاق شهید مطهری

- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۶۹

- قورچیان، نادرقلی، تحلیلی بر مفهوم وجدان کاری، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، مجله شماره ۱، تابستان ۷۴

- ممی‌زاده، جعفر، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، مجله زمینه، دوره ششم، شماره۶، تیرماه ۷۵

- سلطانی، ایرج، مجله تعاون، آذرماه ۷۵

- میرسپاسی ناصر، فرهنگ وجدان کار و قانون کار، مجله تدبیر، تهران، سال پنجم، بهمن ۷۳

- سبحانی، جعفر، سیستم اخلاق اسلامی، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، قم، دی‌ماه، ۴۹

- جعفری، محمدتقی، وجدان کار، تهران، نشر کرامت، چاپ دوم، ۱۳۵۷

اشاره

درس اخلاق امام(ره) به نمایندگان

چیزی که در مغز هیتلر بود در مغز همه شما هست!

حضـور گروه‌هـای سیاسـی، نمایندگان مجلس و مسؤولان نظام در خدمت «امام(ره)» فرصتـی بود تا ایشـان در همـان سال‌های ابتدایـی انقـلاب روش و منـش انقـلاب را برای حضـار و البته آیندگـان تبیین کنند. امام خمینی(ره) همـواره در جلسات مشابه، بیشتر سخنرانی خود را به ارائه نکات اخلاقی تخصیـص می‌دادنـد. متـن زیـر بخشی از سخنرانی ایشان در جمع نمایندگان مجلس در تاریخ ۶ خرداد سال ۶۰ است:

«این یک مطلبـی است که در باطن ذات هرکـس هست. اصلاح کنید خودتـان را. در باطن ذات همه هست که آن که با من خوب اسـت خوب است؛ و آن که با من بد است بد. نه آن که به حسب حکم خدا خوب است و به حسـب واقع خوب است، نخیر! آنی که با من خوب است آن میـزان است. آن قانون میزان است کـه برای من باشد، و آن مجلس میزان اسـت که برای من باشـد، و آن ارتش میزان اسـت که برای مـن باشد! آن کـه برای من نباشد آن فاسد اسـت! این یک چیزی است که در قلب همه است، اختصاص به یکی و دو تا ندارد. هرکسی هر چیـزی را برای خودش می‌خواهـد همه مـردم هر چیـزی را برای خودشان می‌خواهند، الا آنهایی که بالاتر از این طبقات هستند. البته هرکس این‌طور است. اما در مقام تدبیر امور یک مملکت و در مقام اداره یک مملکت، باید همه شماها و همه کسانی که دست‌اندرکار هستند و همه ملت بپذیرند آن چیزی را که قانون اساسی پذیرفته است. بپذیرند آن چیزی را کـه مجلس به آن رأی می‌دهد و شورای نگهبان آن را موافق قانون و موافق شرع می‌داند.

باید بپذیرند اینهـا را. اگر می‌خواهید که از صحنـه بیرون‌تان نکننـد، بپذیرید قانون را. نگویید هـی قانون و خودتان خلاف قانون بکنیـد! بپذیرید قانون را. همه‌تـان روی مرز قانون عمل بکنید. اگر همـه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید. همه اختلافات این است.

دعواهای مـا دعوایی نیست که برای خدا باشد. ایـن را همه از گوشتـان بیرون کنید! همه‌تـان، همه ما، از گوشمـان بیرون کنیم که دعوای ما بـرای خداست، ما برای مصالح اسلام دعوا می‌کنیم. خیر! مساله این حرف‌ها نیست. من را نمی‌شود بازی داد! دعوای خود مـن و شما و همه کسانـی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است. همه می‌گویند پیش بده برای ما! همه می‌خواهند تمام این قدرت چی چی. آخر من نمی‌فهمم چه قدرتی الان در کار هست! خوب، «محمدرضا» اگر دنبال این مسائل می‌رفت مطلبـی بود، برای اینکه یک قدرتی بود - قدرت شیطانی بود - کسی حق نداشـت یک کلمه بگوید امـا امروز که بقال سرمحلـه می‌آید و می‌گویـد که برادر نخست‌وزیر اینجا این کار درست نیست، برادر رئیس‌جمهور این کار درست نیست، این دیگر قدرتی نیست. یک بـرادری است، یک دسته برادرند، یک دسته‌شان شانس‌شان آورده است آنجا نشسته‌اند؛ یک دسـته بیچاره هم برای اینها سینه می‌زنند! قدرت نیست که ما حالا برای یک قدرتی بیاییم. اینها تلبیسات ابلیس است که بر ما غلبه کرده است و این تلبیسات ابلیسـی را چنانچه مسامحه کنید، شما را به جهنم می‌فرستد! در همین دنیا هم به تباهی می‌کشـد. در همین دنیا ایستـاده است این تلبیس نفسانـی و این شیطان نفس ایستاده است تـا آنجایی که همه چیز دنیـا را به باد فنا بدهد. «هیتلر» حاضر بود تمام بشر از بین برود و خودش در آن قدرت همان آلمان باقی باشد. آن نژاد بالاتـر و این چیزی که در مغز هیتلر بود در مغـز همه شما هست! خودتان غفلت کرده‌اید. در مغز همه این مطلب هست کـه همه بروند و من [باشـم]! تا نروید سراغ اینکه یک انصافـی در کار باشد، یک توجهی به خـدا در کار باشـد. یک حسابـی در کار باشد، کـه خودتان از خودتان حساب بکشید که من امروز می‌خواهم چه بکنم، می‌خواهم همه مملکت ایـران را به هم بزنم برای اینکه من باشم و هیچکس نباشد نه، همه باشید، و همه هم حفظ کنید مملکت را. همه باشید، و همه روی قانون عمل بکنید، قانون اساسی را باز کنید، و هرکس مرز و حد خودش را تعیین کنـد. به ملت هم بگویند که قانون اساسی ما بـرای دولت این را وظیفه کـرده است؛ برای رئیس‌جمهور این را؛ برای مجلس این را؛ برای فرض کنید فلان کار برای ارتش این را. برای همه وظیفه معین کرده است. به مردم بگویند در قانون اساسی کـه شما رأی دادید برایش، وظیفه ما این است. در لفظ فقط نباشد، و در واقع خلاف. واقعاً سر فرود بیاورید به قانون؛ و واقعاً سر فـرود بیاورید به اسلام. لفظ را همه می‌گویند. شاید شیطان را هم ازش بپرسند، می‌گوید من انقلابی هستم!»